

محمدرضا خوش‌فرمان به «ایران» از تجربه کارگردانی «اسپانک» و روایت آدم‌هایی گفته که کمتر دیده و شنیده شده‌اند

# اقلیتی در دل یک اقلیت

**نیلوفر ساسانی /** «چشم‌ام روز با می‌کنم و آزادی گم میشه، چشمام روز با می‌کنم و می‌بینم یک سیاه‌پوستم» با خواندن این عبارات گزینہ‌ای که از گوینده آن در ذهن مخاطب تصویر می‌شود احتمالاً دورترین نقطه، از مرز تاریخ و جغرافیای کشورمان است. این عبارات اما برشی از صحبت‌های یکی از سیاه‌پوستان سواحل مکران (جنوب شرقی ایران) و بخشی از نریشن «اسپانک» است. این مستند به موضوع بی‌عدالتی علیه سیاه‌پوستان جنوب کشورمان می‌پردازد که در دوره‌ای نه چندان دور، نه نام داشته‌اند و نه‌ان و شبیه پیرمرد مستند، حاکمان با دیده حقارت آنها را نامگذاری کرده‌اند. «غلام قادر نوکری» با روایت این بی‌عدالتی‌ها به قصه نبردش با مهندسان سدساز می‌رسد تا بگوید چرا در زمانه‌ای که همه خدای‌ها و کپرهای‌شان سواحل مکران (جنوب شرقی ایران) و بخشی از نریشن «اسپانک» است. این مستند به موضوع شازده‌همین جشنواره سینما می‌بماند. محمدرضا خوش‌فرمان در این مستند که اثری مردم‌شناسی و انسان‌شناسی است به باورهای بومی، خردی و فرهنگ‌ها، اسطوره‌ها و افسانه‌های خاص آنها معروف به «اسپانک» و البته بزرگ‌ترین افسانه‌شان «آزادی» پرداخته است. «اسپانک» یکی از مستندهای نیمه بلند مسابقه ملی شازده‌همین جشنواره سینما حقیقت است؛ جشنواره‌ای که لاید با تنوع اقلیم و فرهنگ و سوز‌هایش قرار است تصویری حقیقی‌تر و البته جامع‌تر از ایران و آنچه در سینمای داستانی می‌بینیم به مخاطب ارائه کند.

محمدرضا خوش‌فرمان با اشاره به زمان شکل‌گیری ایده ساخت «اسپانک» به «ایران» می‌گوید: «سال ۹۰ برای ساخت مجموعه مستند (ساحل) که سه اپیزود مختلف در باره طبیعت، معیشت و آیین‌های زندگی بوده به سواحل مکران رفتم. از منطقه کنارک تا نزدیک جاسک سیاه پوست‌های بلوچ ساکن بودند. خیلی از آنها که در قصر، سرباز و … برده بودند و بعد از انقلاب آزاد شده بودند در سواحل مکران روستاهای کپری ساخته و آنجا سکونت داشتند. سیاه پوستان بلوچ، اقلیتی در دل یک اقلیت هستند. در نظام طبقاتی قبل از



دو هستند.» او در ادامه با تأکید بر لزوم تحقیق و پژوهش فرهنگی و انسان‌شناسی در جامعه سیاه‌پوستان جنوب ایران، می‌افزاید: «آین‌ها و به شکل جدی و عریان به این موضوع پرداخته است. البته من تا قبل از آشنایی با مردم این منطقه و ساخت مستند اطلاعی از این دو اثر نداشتم.»

■ **سیاه‌پوستان هر جا باشند غریبند**

این مستندساز در پاسخ به این سؤال که چه پیش‌بینی‌ای از اثرگذاری این نوع مستندها دارد، می‌گوید: «در عصر رسانه که همه حتی در شبکه‌های شخصی، تصویر و صدا دارند، لازم است تصویر و چهره آنها دیده شود. شاید نشان دادن بخشی از چالش‌هایشان کمک کند تا در شرایط بهتری قرار بگیرند. البته بخشی از آنها بعد از انقلاب نوانستند وارد سیستم‌های اداری شوند ولی تعدادشان خیلی کم است. لازم است تحقیقات جامعه‌شناسی و فرهنگی صورت بگیرد. شاید خیلی از جاها موضوع قشربندی و طبقه‌بندی به خاطر زندگی مدرن از بین رفته باشد اما هنوز در جاهای دور افتاده‌ای مثل بلوچستان وجود دارد و این آدم‌ها فاصله‌شان با جامعه را حس می‌کنند. البته این در همه جای دنیا هست و بوشهر متفاوت است. هر غریبند. مهاجرانی که به منظور یافتن کار به جهان صنعتی در کشورهایی مثل انگلستان، فرانسه آمریکا آمدند- هر چقدر هم رسانه‌ها تبلیغاتی کار کنند- باز هم جزو شهروندان درجه

مستندی چندلایه است، طبیعت، شیوه زیست، معماری، اقتصاد ساحل و فراساحل، روابط اجتماعی و… این جامعه را تصویر کند. یکی از مؤلفه‌های جذاب این مستند پرداختن به اسطوره‌ها و باورهای بومی مردم این منطقه است. او در این باره می‌گوید: «آنها مهاجرانی هستند که از آفریقا آمده‌اند و چون همیشه جدا بوده‌اند و در کلونی‌هایی مشخص با هم زندگی کرده‌اند، آیین‌ها و آداب‌شان حفظ شده و دست نخورده باقی مانده است. پرداختن به افسانه‌ها و اسطوره‌ها به فیلم کمک کرده است.» «اسپانک» به معنی افسانه است و می‌بینیم که یک انسان چقدر می‌تواند افسانه داشته باشد و آشنایی با آدم‌هایی که کمتر دیده و شنیده شده‌اند، جذاب است.» از دیگر

دوربین‌شان نقطه به نقطه ایران بروند و این میراث را ثبت و معرفی کنند. در همین سواحل جنوبی کشور شیوه زندگی در ساحل بلوچستان طیفه‌بندی به بوشهر متفاوت است. هر کدام به لحاظ پوشش، زبان، آیین‌ها، شیوه معیشت و حتی ابزار زندگی رنگ آمیزی خاص خودشان را دارند. صیاد بلوچ با صیاد بوشهری تفاوت زیادی دارد، اگر چه همه آنها در قایق و در ساحل جنوب ایران فعالیت دارند و…»

■ **هر انسانی در هر جای جهان جذاب و دیدنی است**

خوش‌فرمان تلاش کرده در «اسپانک» که

■ چهارشنبه ۲۳ آذر ۱۴۰۱

■ سال بیست و هشتم

■ شماره ۷۸۰۸

### اردوی فیلمسازی «ایده تا تولید» در اردبیل



دوره سوم اردوی فیلمسازی «ایده تا تولید» با دعوت از ۱۵ فیلمساز ویژه از دفتر انجمن سینمای جوانان ایران در منطقه شمال غرب کشور، به میزبانی انجمن سینمای جوانان اردبیل و در شهرپارس آباد «دشت مغان»، به‌مدت یک هفته از تاریخ ۲۸ آذر تا ۵ دی ۱۴۰۱

برگزار می‌شود. این اردوی تخصصی فیلمسازی فیلم کوتاه، با محوریت سه ژانر «معمایی، پلیسی»، «کمدی» و «مولودرام» برگزار شده و قصد دارد فیلمسازان شرکت‌کننده را به شکل کارگاهی با حضور سه مربی هدایت کند تا ایده‌ها و طرح‌های این ۱۵ فیلمساز مورد بررسی و کار تخصصی قرار گرفته و به فیلمنامه کوتاه تبدیل شوند. در پایان این اردو، فیلمسازان در گروه‌های ۵ نفره که هر گروه زیر نظر یک مربی و با محوریت یک ژانر فعالیت می‌کند، اقدام به ساخت سه فیلم کوتاه به‌صورت گروهی می‌کنند. انجمن سینمای جوانان ایران از تولید این سه فیلم کوتاه تا سقف ۳۰ میلیون تومان برای هر فیلم حمایت مالی می‌کند.
دارا بودن ۲۰ تا ۳۵ سال سن، ساخت حداقل یک فیلم کوتاه و گذراندن دوره فیلمسازی انجمن سینمای جوانان ایران و ارائه یک طرح چندخطی (لاگ لاین و سیناپس فیلمنامه) در یکی از این سه ژانر «معمایی، پلیسی»، «کمدی» و «مولودرام» که قابلیت اجرای دو روزه در شهر اردبیل را داشته باشد به‌عنوان شروط شرکت در این دوره تخصصی عنوان شده است.

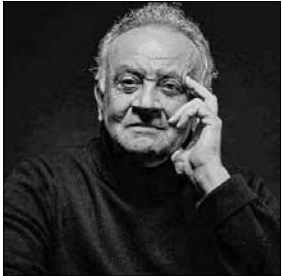
### دومین دوسالانه جشنواره قصه‌گویی «نهاد امید»



پس از پایان رقابت‌های استانی دومین دوسالانه جشنواره قصه‌گویی نهاد امید، رقابت برگزیدگان استان‌های تهران، سمنان، قم، البرز و قزوین با اجرای قصه‌گویی در مقابل داوران منطقه‌ای امروز به میزبانی

اداره‌کل کتابخانه‌های عمومی استان تهران در سالن آمفی تئاتر کتابخانه مرکزی پارک شهر برگزار می‌شود. علاقه‌مندان بویژه کودکان و نوجوانان برای شرکت در این برنامه می‌توانند از ساعت ۸ صبح تا ۱۷ به سالن آمفی تئاتر کتابخانه مرکزی پارک شهر تهران به نشانی خیابان وحدت اسلامی، خیابان بهشت، درب شماره چهار پارک شهر مراجعه نمایند.
دومین دوسالانه قصه‌گویی با عنوان نهاد امید که از تاریخ ۱ مرداد ۱۴۰۱ آغاز شد، پس از یک دوره تمدید، ۲۰ شهریورماه به پایان رسید و آثار ارسال شده در آبان ماه به‌صورت استانی در معرض داوری قرار گرفت. این جشنواره با همف همکاری تالاشگر و کتابداران نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور با هدف ترویج سنت قصه‌گویی، گسترش خدمات جنبی کتابخانه‌ها و ایجاد انگیزه مطالعه، با شعار قصه خوب، نسل خوب آغاز به کار کرد و موضوعاتی چون مسائل روز جامعه، موضوعات آزاد، سبک زندگی ایرانی اسلامی، شعار سال؛ تولید دانش بنیان و اشتغال آفرین (موضوع ویژه) نیز به‌عنوان موضوعات محوری آن در نظر گرفته شده است.

### آهنگساز فیلم‌های «دیوید لینچ» درگذشت



«آنجلو بادالامنتی»، آهنگساز آمریکایی که بیشتر برای خلق موسیقی ماندگار «توئین پیکس»، «مخمل آبی»، «جاده مالهالند» و همکاری با «دیوید لینچ» در چندین فیلم دیگر شناخته می‌شود، در سن ۸۵ سالگی درگذشت.

به گزارش گاردین، «لینچ» و «بادالامنتی» دوستی نزدیکی

با یکدیگر داشتند و در چندین پروژه از جمله سریال «توئین پیکس»، «مخمل آبی»، «از ته دل وحشی»، فیلم سینمایی «توئین پیکس: با من در آتش قدش بگذارد»، «بزرگ‌ها گذشته»، «داستان استریت» و «جاده مالهالند» با همدیگر همکاری کردند. «بادالامنتی» علاوه بر آهنگسازی تجربه ظاهر شدن در جلوی دوربین را نیز داشت و در «جاده مالهالند» در نقش یک گنگستر بازی کرد و در «مخمل آبی» نیز با «ایزیلا روسلینی» پیانو نواخت. «بادالامنتی» که به‌عنوان یک موسیقیدان کلاسیک آموزش دیده بود با چهره‌های نامدار حوزه موسیقی همچون «نینا سیمون»، «دیوید بوئی»، «پل مک‌کارتنی»، «شرلی بسی»، «مرین فیث‌فلو»، «لارا مینلی» و «پت شاپ بویز» و برای مشعل بازی‌های المپیک ۱۹۹۲ نیز اثری خلق کرد.

### «هتل ریتاج» در تئاتر شهر



«هتل ریتاج» به نویسندگی و کارگردانی حمید حرا از روز جمعه ۲۵ آذر ماه هم‌زمان با فرارسیدن ایام سوگواری شهادت حضرت زهرا(س) به‌عنوان تازه‌ترین نمایش تالار اصلی مجموعه تئاتر شهر پیش روی مخاطبان قرار خواهد گرفت. به گزارش ایسنا، در این اثر نمایشی که طی روزهای بیست و پنجم آذر تا ششم دی ماه روی صحنه خواهد رفت (به ترتیب الفبا) اشکان اردستانی، سیروس اسنقی، مرتضی اصغری، پیمان خراسانی، سیدعلی زاهدی، سیدامیرحسین سسکانی، علیرضا شمایی، رضا طهماسبی، علیرضا عمرانی، امیرحسین نیک پانچه، محمدمامین نیک‌پنجه، سیدمحمد مهدی هاشمی دانا به‌عنوان بازیگر حضور دارند. این در حالی است که علیرضا عمرانی بازیگردان، محمد امین نیک پنجه دستیار اول کارگردان، علیرضا شمایی دستیار دوم کارگردان، سیدامیرحسین سسکانی منشی صحنه، رضا حجاززاده مدیر صحنه نیز گروه اجرایی را تشکیل می‌دهند.

کمتر کسی در داخل کشور گروه‌های سلطنت‌طلب یا وابسته به سازمان مجاهدین خلق را آن اندازه موجه می‌داند که نظرات‌شان را برای تحریم شبکه‌های تلویزیونی ایرانی، قابل تأمل به حساب بیابورد اما متن بیانیه نهادهای آمریکایی و اروپایی، ادبیات این گروه‌ها را به یاد می‌آورد. این مسأله بر وجود رابطه دوسویه و بدبینان میان دشمنان ایران و دولت‌های غربی در سطح رسانه، صحه می‌گذارد.

■ **عبور از راه سخت‌تر، نیازمند تفکر خلاقانه‌تر**

بدون تردید، کار برای رسانه‌های جریان سوم به عنوان جریان اقلیت اطلاع‌رسانی در افکار عمومی جهان، سخت‌تر از همیشه شده و شاید در ادامه سخت‌تر از این هم بشود. بنابراین، تلویزیون ایران با شبکه‌های داخلی و خارجی به‌عنوان یکی از این رسانه‌ها، بیش از هر زمان دیگری نیازمند دوردانشی و مدیریت خلاقانه برای عبور از این تحریم‌های فرهنگی است.

درحالی که بیش از پیش به ابزارهایی برای

دیالوگ با مردم جهان و خصوصا کشورهای متحد و همسو نیازمندیم تا نوع نگاه و تحلیل‌ها و استدلال‌های خودمان را با آنها در میان بگذاریم، بیش از پیش راه‌های متداول و متعارف در حال محدود شدن هستند و شاید زمان آن رسیده باشد که به جایگزین‌های خلاقانه‌تر، تهاجمی‌تر فکر کنیم و البته راه‌های مبتنی بر مشارکت عمومی نیروهای مردمی در بستن‌های غیرقابل تحریم‌تری چون شبکه‌های اجتماعی را جدی‌تر از قبل مورد بررسی قرار دهیم.



درون مرزهای ایران به خود گرفته است. تبعات عملیاتی این تحریم‌ها از یک سو ممکن است دامنگیر افراد و ساختارها شود اما حملات روانی و افکارسازانه آن در میان مردم، وجه دیگر این راهبرد است که نشان از تهاجمی‌تر شدن رویکرد ضعیف و کوتاه باشد، وجود ندارد.

■ **عدول از شعار آزادی بیان و رسوایی بده‌بستان‌ها یا اپوزیسیون**

با تمام این‌ها، برای مردم ایران از هر طیف سیاسی و سلیقه اجتماعی و فرهنگی، این دست تحریم‌ها معانی دیگری هم دارد، چرا که در این ماجرا، محدود کردن آزادی بیان، تنها عدول از آرمان‌های غرب برای دولت‌های غربی محسوب نمی‌شود بلکه خط گرفتن و جایزه دادن به اپوزیسیون کوچک و پرهیاهوی خارج‌نشین، رسوایی دیگری برای این دولت‌هاست.

رواه را برای تریبون‌های یک‌طرفه‌ای که توسط

جوسازی‌های گروه‌های اپوزیسیون خارج از کشور

هدایت می‌شوند، بازتر می‌کند.

کشورهای غربی که صاحبان شرکت‌های چندملیتی رسانه‌های بزرگ جهان محسوب می‌شوند و جریان اصلی هدایت افکار عمومی در سطح جهانی را در دست دارند، حالا نزدیک دو دهه است که با واقعیتی به نام رسانه‌های این‌درحالی است که تحریم رسانه‌های ایرانی، اعمال محدودیت بر شبکه‌هایی چون پرس‌تی‌وی و وراد آوردن فشار بر خبرنگاران ایرانی بر خلاف داعیه آزادی بیان و کارویژه رسانه‌های عموم در میان دولت‌های غربی، تبدیل به رویه‌ای غیرقابل نقض و خدشه شده است. ۲۵ آبان امسال بود که وزارت خزانه‌داری آمریکا با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد که علی رضوانی، آمنه سادات ذبیح‌پور، پیمان جبلی، احمد نوروزی، محسن برمهانی و یوسف پورانواری در فهرست تحریم‌های آمریکا قرار گرفته‌اند. یک هفته پیش از آن هم اتحادیه اروپا، شبکه پرس تی‌وی را در فهرست تحریمی‌های خود قرار داده بود؛ اقدامی که ظرف روزهای گذشته باطع بخش تلویزیونی این شبکه در ماهواره یوتل ست همراه شد.

■ **تلاش برای ساکت کردن رویکرد غرب در تحریم رسانه‌ای ایران**

حالا که احتمال موفقیت دیپلماسی عمومی امروز با نفوذ گسترده رسانه‌های جمعی و شبکه‌های اجتماعی بیش از هر شکل دیگری از دیپلماسی بالا رفته و دولت‌های هدایت‌کننده

منتقد هالیوود ریپورتر افشا کرد

### چک‌های ۷رقمی عربستان برای جذب سلبریتی‌ها

**گروه فرهنگی /** جشنواره فیلم «دریای سرخ» عربستان سعودی، در دومین دوره خود تلاش کرد تا پرستاره ظاهر شود و برای رسیدن به این هدف حتی به صدور چک‌های ۷ رقمی هم تن داد. به گزارش هالیوود ریپورتر، گزارشگر این نشریه سینمایی که با پایان یافتن جشنواره «دریای سرخ» در عربستان سعودی به خانه بازگشته و نگاهی به آن انداخته از این رویداد به عناوینی همچون «گسترده و پرهیاهو»، «متمرکز بر فیلمسازان محلی» و «با سطح تقریباً دیوانه‌کننده‌ای از حضور چهره‌ها روی فرش قرمز» یاد کرده و می‌نویسد: حضور شارون استون، جکی چان، شاهرخ خان، اولیویرا استون، آنتونیو باندراس و حتی مایک تاپیسون!! رویداد جده را به یک بیانیه چشمگیر و گرانتیمت بدل

تنه شماری از ستارگانی بودند که روی فرش

قرمز آن شب رفتند. آیا برای حضور در آنجا آنها پول گرفته بودند؟ احتمالاً بله. چندین منبع به من گفتند که برخی از نام‌ها صرفاً برای مبلغ ۷ رقمی چک‌های دریافتی حاضر

جکی چان از چهره‌های شاخص حاضر در اختتامیه «دریای سرخ» بود

به حضور در آنجا شدند؛ تعداد بسیار زیادی! هنوز برای شب‌های بعد در راه بودند. کمی بعد در میهمانی از اینکه کسی که داشت ترانه‌های برونو مارس را می‌خواند، واقعاً خود برونو مارس بود در شگفت ماندم! وی